

وظیفه دولت اسلامی است که با آنچه مانع بهشتی شدن مردم می شود به جد مقابله کند| این گلابه از عالمان دینی در میان است که چرا در مقابل این دیدگاه های انحرافی تلاش نمی کنند؟

در واکنش به سخنان حسن روحانی درباره تحمیلی نبون دین؛



کیهان در سرمقاله خود به قلم حسین شریعتمداری به سخنان حسن روحانی در باره تحمیلی نبون دین واکنش نشان داد. به گزارش اسپادانا خبر، شریعتمداری نوشت: ۱- «انگار ما اختیاری از آسمان داریم که می توانیم بر زمینیان هر فرمانی را صادر کنیم، نه اینطور نیست، چنین چیزی وجود ندارد. اینطور نیست که ما اختیار داشته باشیم. خداوند به پیغمبرش می گوید: «وَمَا أَمْرُهُمْ بِيُكَيْلٍ، تو وکیل مردم نیستی، تو چکار به کار مردم داری؟» «وَمَا عَلَيْنَا إِلَّا الْإِتْلَاءُ»؛ تو باید پیام برسانی، حالا مردم یا گوش می کنند و هدایت می شوند یا گوش نمی دهند... مردم باید انتخاب کنند، اگر انتخاب نکنند که دین نمی شود، با تحمیل که نمی شود دین درست کرد. «لا اکراه فی الدین». اساس دین باید با فهم و درک و پذیرش باشد. بقیه مسائل هم همینطور است». این، بخشی از سخنان رئیس جمهور محترم در جمع مدیران وزارت ارتباطات است که سخن حق و بایسته ای است چرا که دین یک باور قلبی است و باور قلبی افراد را نمی توان با توسل به زور تغییر داد. اما این نکته که بدیهی نیز هست از مسئولیت مسئولان در قبال دین مردم نمی کاهد چرا که ابلاغ دین در آیه شریفه «وَمَا عَلَيْنَا إِلَّا الْإِتْلَاءُ» تنها ابلاغ زبانی و بیان مبانی دینی نیست بلکه مقابله با موانعی که از فهم دین و رسیدن پیام اسلام به مردم جلوگیری می کند نیز بخشی از همان ابلاغ دین است. جناب رئیس جمهور یک شخصیت روحانی است و به یقین می دانند که آیات قرآن را باید در ضرب با آیات دیگر تفسیر کرد. مثلاً در آیه شریفه «یداً» فوق آیدهم... دست خدا بالای دست آنهاست» نمی توان «ید» را به معنای «دست» گرفت! زیرا خداوند تبارک و تعالی منزله از جسم و ماده است. «ید» هم به معنای دست است و هم به معنای «قدرت» و در آیه مورد اشاره معنای قدرت مورد نظر بوده است چرا که در آیه دیگری می فرماید «لیس کمثله شیء... هیچ چیز مانند او-خدا- نیست». حال اگر مفهوم آیه شریفه «وما علینا الا البلاغ» و یا «وَمَا أَمْرُهُمْ بِيُكَيْلٍ» رها کردن امور به حال خود باشد! ضمن آنکه با سیره رسول خدا(ص) و ائمه هدی(ع) در تناقض آشکار است، با آیات فراوان دیگر قرآن نیز مغایرت و تضاد جدی دارد و این در حالی است که به مصداق «وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا... اگر (قرآن) از جانب غیر خدا بود در آن اختلافی بسیار می یافتند». در قرآن اختلاف و تناقضی نیست بنابراین، چنانچه منظور جناب روحانی از استناد به آیات یاد شده، رفع مسئولیت از دولت و مسئولان باشد، با عرض پوزش باید گفت برداشت و تفسیر ناصواب و خطایی داشته اند! به عنوان مثال: در آیه ای که زینت بخش آرم سپاه پاسداران نیز هست، آمده است: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِباطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ... هر چه نیرو در توان دارید، برای مقابله با آنها [= دشمنان]، آماده سازید! و (همچنین) اسب های ورزیده (برای میدان نبرد)، تا به وسیله آن، دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید». بدیهی است که این آیه شریفه با آیه «وَمَا عَلَيْنَا إِلَّا الْإِتْلَاءُ» مغایرتی ندارد بلکه به وضوح نشان می دهد که تهیه ساز و برگ جنگی برای مقابله با دشمنان نیز بخشی از همان ابلاغ است. ۲- استاد شهید آیت الله مطهری در این خصوص تعبیر حکیمانه ای دارند: «مثلاً عده ای در کشور کفری که حکومتی ضد دین در آنجاست زندگی میکنند و چون آن حکومت وسیله ای است برای به زنجیر کشیدن مردم و جلوی هر ایدئولوژی را میگیرد، چنین وضعی اجبارپذیر است که با شمشیر موانع را بردارند تا زمینهای برای تبلیغ آزاد دین وجود پیدا کند. این است که در عین اینکه برای قبول دین داریم: «لا اگره فی الدین»، یعنی دین اجباربردار نیست، ولی در عین حال بایستی خرطوم ابوجهلها و ولیدین مغیرهها را زد. تا بعد از رفع موانع، از راه تبلیغ، مردم محاسن دین را بفهمند، و مسئله جهاد همین است». ۳- اساساً اگر مسئولان نظام اسلامی در قبال مردم وظیفه ای جز ابلاغ مبانی اسلام نداشتند و قرار بود ملت را در

مقابل پلیدی ها و پلشتی هایی که از سوی دشمنان اسلام به جامعه تزریق می شود، تنها بگذارند، اینهمه تاکید بر وظیفه امر به معروف و نهی از منکر معنا و مفهومی نداشت. توضیح آنکه امر به معروف و نهی از منکر علاوه بر آنکه یک فریضه دینی است یک ضرورت عقلی نیز هست و هیچ نظام حکومتی-تاکید می شود، هیچ نظام حکومتی- را نمی توان یافت که از این قاعده مستثنا باشد. همه نظام ها و دولت ها «امر به معروف و نهی از منکر» دارند و تفاوت فقط در معروف ها و منکرهاست. مثلا امروزه در فرانسه حجاب خانم ها در مراکز علمی و دانشگاهی را «منکر»! می دانند و با همه توان با آن به عنوان یک منکر! مقابله می کنند تا آنجا که فرانسه کاپیتالیست چند دوره ریاست جمهوری میتران سوسیالیست را می پذیرد ولی حجاب یک زن مسلمان را تحمل نمی کند! و یا در آلمان و برخی دیگر از کشورهای اروپایی اعتقاد به «هولوکاست» را- که یک افسانه ساخت صهیونیست هاست- معروف می دانند و با هرکه هولوکاست را باور نداشته باشد به شدت برخورد می کنند تا آنجا که نفی هولوکاست در آلمان رسماً جرم تلقی شده و نفی کنندگان به تحمل زندان محکوم می شوند! ۴- اگر دولت اسلامی در قبال مردم، غیر از بیان مبانی دینی و نهایتاً تبلیغ شفاهی آن مسئولیت دیگری نداشته باشد، اساساً تشکیل حکومت معنی و مفهومی نخواهد داشت. این قاعده در سایر نظام های حکومتی نیز جاری است. ژانژاک روسو متفکر سوئیسی قرن ۱۸ میلادی در کتاب معروف خود «قراردادهای اجتماعی» وظیفه حکومت ها را ایجاد هماهنگی میان آزادی های فردی و مسئولیت های جمعی می داند و بر این باور است که حکومت ها نمی توانند و نباید مردم جامعه را به حال خود رها کنند و از تنبیه مجرمان چشم پوشند. این قاعده صرفنظر از نوع حکومت ها و ایدئولوژی آنها در تمامی نظام های حکومتی به عنوان یک اصل ضروری شناخته می شود و بدیهی است که در اسلام عزیز که برداشتن غل و زنجیرهای وابستگی- یَصْعُ عَنْهُمْ إِصْرُهُمْ وَالْأَغْلَالُ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ- را شعار خود می داند، ضرورتی به مراتب بیشتر و برتر دارد و دولت اسلامی نمی تواند و نباید از این مسئولیت شانه خالی کند. ۵- آقای روحانی پیش از این هم گفته بودند نمی توان مردم را با زور شلاق به بهشت برد! که باید پرسید؛ مگر کسی یا کسانی در پی آن بوده اند مردم را با زور شلاق به بهشت ببرند که حضرت ایشان نگران شده و قصد پیشگیری داشته اند؟! بله به زور نمی توان مردم را به بهشت برد ولی وظیفه دولت اسلامی است که با آنچه باعث گمراهی مردم و مانع خیر و صلاح و نهایتاً بهشتی شدن آنان می شود به جد مقابله کند و از آنجا که رستگاری در جهان آخرت، هدف نهایی همه انسان ها و مخصوصاً امت اسلامی است، مسئولیت یاد شده بیش از هر مسئولیت و وظیفه دیگری روی شانه همه مسئولان به ویژه دولتمردان است. ۶- بخش نخستین سخنان رئیس جمهور محترم این تصور و تلقی را به ذهن می رساند که ایشان فقط در پی بیان ضرورت تبلیغ مبانی اسلامی بوده اند که از ایشان به عنوان رئیس جمهور یک کشور اسلامی و مخصوصاً یک شخصیت روحانی جز این نیز انتظاری نمی رود اما، با کمال تأسف باید گفت که بخش های بعدی اظهارات آقای روحانی این برداشت را تأیید نمی کند و نشان دهنده آن است که جناب ایشان برای ایران اسلامی نسخه ای شبیه واتیکان را توصیه می کنند و بر این باورند -و انشاءا[] نباشند- که حکومت در قبال خیر و صلاح مردم و سعادت و شوریختی آنان غیر از ابلاغ شفاهی و یا کتبی مبانی دینی وظیفه و مسئولیت دیگری ندارد! به این بخش از سخنان ایشان توجه کنید: «لا اكره فی الدین». اساس دین باید با فهم و درک و پذیرش باشد. بقیه مسائل هم همینطور است. طرف باید تفهیم شود و ارزش کار را بداند تا خودش دنبال کند. نیاز نیست ما به مردم فشار بیاوریم. بله! مردم وقتی می بینند که ماشین خطرانی دارد، خودشان هم به بچه شان نصیحت می کنند و می گویند از قسمت عابر پیاده باید عبور کنی و صبر کن تا چراغ سبز شود، درواقع شروع می کنند به یاد دادن فرهنگ به او. در همه فناوری های روز هم همینطور است... مقاومت در برابر فناوری ها و تحولات نوین، رویکردی قدیمی است... فناوری های نوین منافع زیاد و خطرات محدودی دارد. شناخت درست و فرهنگ سازی، تنها راه مدیریت و پیشگیری از مشکلات فناوری است. نمی توانیم زندگی مردم را از تحولات فناوری و ارتباطی جدا کنیم. مبارزه با خواست عموم مردم، شرعی و قانونی نیست... در جهان شبکه ای، درخت ممنوعه نسازیم، فرهنگ سازی کنیم. جوانان و نوجوانان بیش از همه از اثرات منفی فیلترینگ آسیب می بینند. نه مسدود کردن و نه رها کردن ما را به مقصد نمی رساند، سواد رسانه ای جامعه را باید افزایش دهیم. انحصار در هیچ پدیده ای جواب نمی دهد، چه در رسانه و چه در فناوری»!! یک بار دیگر این بخش از سخنان ایشان را بخوانید. ظاهر زیبایی دارد! و از آزادی انتخاب حکایت می کند! و اینکه دخالت دولت در فضای مجازی چه مفهومی دارد؟! باید همگان بتوانند بدون کمترین مانع و بی آنکه فیلترینگی در میان باشد وارد فضای مجازی شوند! و انتخاب خوب و بد و مطالب مفسده انگیز و سودمند بر عهده خودشان باشد! این دیدگاه از نسخه واتیکانیسم نیز به مراتب خطرناک تر است و مفهوم آن، دقیقاً این است که جوانان و نوجوانان و همه مردم را در وادی پر مخاطره فضای مجازی به حال خود رها کنیم و فقط خوب و بد را به آنان معرفی کنیم! بی آنکه برای پیشگیری از آسیب های جدی و خطرناک این فضا کمترین مسئولیتی داشته باشیم! باید از جناب روحانی پرسید چه تضمینی هست که یک جوان یا نوجوان با مشاهده بخش های پلشت و مفسده انگیز فضای مجازی که این روزها به فراوانی در این عرصه وجود دارد در گرداب هلاک کننده آن غرق نشود؟! در کجای دنیا و با کدام عقل سلیم گرداب های خطرناک را که ظاهری فریبنده دارند، پیش پای مردم قرار می دهند و مسئولیت مقابله با آن را از دوش خود برمی دارند! بر اساس این دیدگاه می توان دزدان و قاتلان را به حال خود رها کرده و مانعی برای آنان ایجاد نکرد و فقط مشخصات آنها را برای مردم برشمرده و مقابله با آنها را بر عهده خود مردم گذاشت؟! آیا این دیدگاه حضرتعالی -البته بی آنکه بداند- ترویج همان حکومت عرفی -نرمالیسم- نیست که مقامات و اندیشکده های آمریکایی بی وقفه از تلاش خود برای حاکمیت آن در ایران اسلامی و نهایتاً نه فقط وابستگی بلکه بردگی ملت در قبال آمریکا دم می زنند؟! کوتاه سخن و جان کلام آنکه جناب روحانی! بر فرض که از مسئولیت خود به عنوان رئیس قوه مجریه با خبر نباشید آیا به عنوان یک شخصیت روحانی از سفارش های اکید اسلام بر ضرورت مقابله با گسترش دهندگان و مروجان فساد و فحشا و دروغ برآکنان نیز با خبر نیستید؟! نظر جنابعالی درباره مثلاً ممنوعیت کتب ضاله و حفاظت از سلامت روحی و اخلاقی مردمان چیست؟! در خاتمه، این گلایه دوستانه از عالمان دینی در میان است که چرا در مقابل این نظرات و دیدگاه های انحرافی تلاش چندانی نمی کنند تا ورود افرادی نظیر نگارنده به این وادی ضرورتی نداشته باشد؟!

برچسب ها: [حسن روحانی](#) [1]

[حسین شریعتمداری](#) [2]

